

دیگران



درباره آموزش، افسانه هاو دروغ های فراگیر و راست پنداشته شده آن

افسانههای آموزشی

مارک فیلیپس – آموز گار وروزنامه نگار آموزشی ابر گردان:مهدی بهلولی ا

درباره آموزش،افسانههاو دروغهای فراگیر و راست پنداشته شدهای هست که هم برای ما آموز گاران و هم

برای نهاده های افزارش ما دارای خین در سورد است. برای نهاده های افزارش ما دارایختی الدان السسانده ، موضوع کتاب نازه دوبود براید نیز و چین کلاک، می تایی از پوش در ناز پروهشگران آموزش با در خدمی کشیر و می در سازه با در می در سازه با در می داد. دولتی آمریکار از به در می کنند بخری ناز می در آموزش برود ش است اگر چه شاست است که میداست که مدرسد کام کتاب خوانده شود مامان در این جامی خواهه از آن پختانافساند، بر هست تا نم و کر کتم که به کمانیه باییشتر

افسانه ۱: آموز گاران مهم ترین عامل اثر گذار برورش کودکان اند

پوورس خود کاران پرپیداست که آموز گاران، بسیار مهماند آموز گاران شایسته، در برون داد کار، اثر و اهمیت چشمگیر دارند. موفقیت تحصیلی او، به مراتب از سازههای گوناگونُ بیرونی کمتراست.

اُفسانه ۲: تکلیف خانگی، موفقیت تحصیلی دانش آموزان راافزایش می دهد

هیچ گواه و شاهدی بر درستی این سخن در دست نیست. در فنا(کد، که دانش آموزان بـــا کمترین- یا هیچ-تکلیفخانگی آموزشمی بینندوزمان کمتری هم در مدرسه حضور دارند، عملکر د آموزشی بهتری دارند. ُعاملُ مهم تر، اَن چیزی است که دانش آموزان در طول روز در مدرسه، تجربه می کنند. یادگیری دانشُ آموز در طول روز تجربه می کند. اگر دانشُ آموز، به دلخواه خود بخواهد پس از ساعتهای مدرسه، . بریشتری انجام دهد، انتخابی شخصی است. برای تعیین مشق و تکلیف خانگی، بسا که دلیلهای خوب دیگری هم باشداما بنیاداین تکلیف، نباید براین پندار نادرست استوار باشد که این کار به موفقیت تحصیلی دانش آموزیاری خواهدرساند.

افسانه ۳: شــُمار دُانش آموزان کلاس درس،

دریک دبیر ســـتان معمولی، یک آمــوز گار در یک دریت:بیرستان معمونی یک اصور دار درید. روز، پاسخگوی ۱۵۰-۱۰ دانشآموز است. این دانش آموزان به ناگزیر، زمانهایسی را در حال انتظار بهسر میرند (تا پرسشهای خودرابا آموز گار درمیان یگذارند)، شواهد پژوهشی، به جد نشان می دهند که کاهش شـمار دانش آموزان، بر کیفیت آموزشی اثر می گذارد. هنگامی که در کلاس های پایه دبیرستان، کاهش شمار دانش آموزان روی داد، شواهد نشان داد که توجه و آموزش از نزدیک، زیاد تر شدو گویابه پیروی از این دگر گونی، احتمال فارغ التحصیلی دانش آموزان ز دبیرستان،بالاتر رفت.خانوادههای ثروتمند،بیشتر، بچههای خودرابه منطقههای آموزشی یامدرسههای خصوصی با کلاسهای کوچکتر می فرستند. هیچ ہے۔ مایہ شگفتی نیست کہاندازہ ہزر گتر کالاس، بر آموزش کودکان تنگدست، اثری بسیار منفی بگذارد، کاهش شمار دانش آموزان کلاس، در حقیقت، به یادگیری

افسانه ۴: یک برنامه کامیاب، همه جا کامیاب

-شــواهدمهمی در برابر این ایده وجود دارد که یک برنامه کامیاب در یک مدرسه یا منطقه، باید در هر جای دیگری هم کامیاب باشد و به خوبی کار کند زمینه، متغیری کلیدی است. برنامه ها باید با ساخت و طبیعت منطقه مدرسه یا آن مدرسه خاص، در پیوند باشند. رویکردهایی به آموزش که خواستار در نْظُرُ گرفتهشدُنَ درُ سراسر کشــُور هستند شاید د

تمرکز کردند. (مترجم: در ۱۴ دســامبر ۲۰۱۲ بر اثر تیراندازی جوانی ۲۰ ســاله، ۲۰ دانش آموز و ۶ تن از ى خود رويكر دهايى ممتاز باشــنداما براى برخي ها، سراسر نامن نیازهای ویژه مدرسهها و کلاسهای درس در یک منطقه خاصسازگار باشد. در گزینش یک برنامه ویژه،

باید بر آوردنیازهای دقیق همراه با وارسی همهجانبه، بنیاد کارباشدنه کامیایی آن برنامه در همهجا. افسانه ۵: سیاستهای سخت گیرانه،

مدر سههار اایمن ترمی سازند من این افسانه را به عنـوان یکــی از نابخردانه و

آموز گاران،مدیران وخانواده هادر پیوندند.

سی بین است از به سوری بر به براید رو گلاس، زیان آور تریس افسانه ها می دانم. برلینسر و گلاس، نمونه های فراوانی می آورند که این سیاست، زیان آور تمام شده است. در یک نمونه، دو دانش آموز به حالت تعلید درآمدند داز آن رو که یکی از آنان، اسپری خودش را به دیگری داده که دچار حمله آسمی شده بودُ.نکتهُ بسیار مهُم این است که هُیچ گواهی در دست نیست که نشان دهد سیاستهای سخت گیرانه، به یست در سب متحسیستی سعن براهاید کشاب پیادآوری می کنند کیه اتعلیشق و اخراج، برای موقعیت تحصیلی دانش آمسوز، پیامدهای پردامنهای دارند و می توانند آنسان را برای ناکامی در زندگی شخصی شان، بهدروسسر پیفکننده میچ هم مایه شـگفتی نیسـت که همه پیامدهای ناخواسته ۔ همبسته با سیاستهای سخت گیرانه در مدرسُهها، براىغىرسفىدپوستھا،تشديدمىؔشُود،نُويسنَدگان ر کی ۔'' کتاب همچنین نمونههایــی را به دســت دادهاند از برخی مدرســههایی که از این پژوهــش دارند درس گیرند. پس از رخدادهای جانگداز دبستان سندی می نیرند پس ر رحد نمای جامعتار نیستان هوک، آموز گاران، پـدر - مادران و مدیــران، بهجای اعمال سیاستهای سختگیرانه تر بر دانش آموزان، بر اَمادگی بحران و سیاست گفتوگو درباره تفنگ،

کارکنان دبستان سندی هوک در نیوتاون اَمُریکا ّدرُ دبستان کشتهشدند.) بستان کسته ستند. ا<mark>فسانه ۶:</mark> پول اثری ندارد ت از پیــش پول خــرج میکنیم اما نمرههــای آزمونی

ربی تی بری بچهها تغییسری نمی کنند. مخالفان هزینه بیشستر برای مدرسهها، به گسستردگی، این افسانه زیانبار را بیپراکنند.اما پژوهش، چیز دیگری می گوید. کافی ی را ترکی کی را ترکی کی را ترکی کی را تی کی را تی کی را تی کی است. است منطقههای آموزشی کارآن منابع برخوردار نیستند. منطقههایی بسنجیم کهاز آن منابع برخوردار نیستند. ...ی. ۱۳۰۰ رک کار کرکر در بروندادهای تحصیلی بهدســــتآمده، بیگمان، در منطقههای ثروتمندتر،در رتبههایبالاتری قرار دارند. نویسندگان کتّاب یاداُوریٌ می کنند که اُگر بهُمنظُور جــنب آموزگاران بــا تجربه تر و بهتــر آموزش دیده، دستمزد بالاترى داده شود در موفقیت تحصیلی دانش آموُزان، اخَتَــلاف معناُداري بهُوجَــود مي أيد مدرســههایی که در منطقههای فقیر قــرار دارند با وِجُود همه شرایط دشــواری که هر روز آموزگارانِ با آن در گیرند، می توانند با پرداخت دستمزد خوب، آنان رانگه دارند. از آنجایی که شـمار دانش آموزان کلاس ۔ ۔ ۔ ۔ ت- همان گونه که پیش از این کافی، به کار گرفتن آمُوز گاران بیشتر و کاهش شمار دانش آموزان را شدنی می سازد. پژوهش، به جد، از همه این نکتهها، پشتیبانی می کند افــزون بر این، نویســندگان به گزارش لیندا دارلینگ هاموند درباره پژوهش تازه از فنالاند، سنگاپور و برخی کشورهای دیگر استناد می کنند: «شواهد درخور درنگی در این گزارش وجود دارد که نشان میدهند هزینه

• در فنلاند، که دانش آموزان با کمترین – یا هیچ – تکلیف خانگی آموزش میبینندو زمان کمتری هم در مدرسه حضور دارند،عملکرد آموزشی بهتری دارند.عامل مهم تر، آن چیزی است که دانش آموزان در طول روز در مدر سه، تجر به می کنند.

 در یک دبیر ستان معمولی، یک آموزگار در یک روز، پاسخگوی ۱۵۰-۱۰۰ دانش آموز ت. این دانش آموزان به ناگزیگر، زمان هایی را در حال انتظار به سر می برند (تا شهای خود را با آموزگار درمیان بگذارند.) شواهد پژوهشی، به جد نشان میدهند که کاهش شمار دانش آموزان، بر کیفیت آموزشی اثر می گذار د.

• هر آموز شگری، به ویژه مدیران و سیاست گذاران، باید کتاب «بنجاه افسانه و دروغ» ر ابخواند. بر بنیاد شواهد پژوهشی نیرومند، این کتاب به روشنی نشان می دهد که ما هنگام تصمیمسازیهای آموزشی مان نیاز داریم تاروی جداسازی فسانههااز واقعیت، مها، بارها وبارها، بر پایه افسانه ها و از بنیاد دروغ، استوار مىشوند،نەبرشواھدپژوھشى.

وبا هـدف هزينه براى دانش آموزانـــى كه با كمترين توانایی های مالی به مدر سه می آیند می توانداثر مثبت شگرفی بر برون دادهای کلی آموزشی کشور داشته

البته، این حالت هم ممکن است که منطقه های اموزشی که دارند پول بیشتری خرج می کنند، در آن جامعههایی پاشند که عامل های اجتماعی -اقتصادی و رای. تمنطقه،نقشمهمیرابازیمیکنند. انه ۷: پذیرشهای دانشگاهی، بر بنیاد

موفقیت آموزشی ونمرههای آزمونی استوارند یافتههای برلینر و گلاس، نگران کنندهاند. برخی دانشکدهها و دانشگاهها، پذیرشها را با دستهبندی انجاممىدهند يك نمونه ورزشكاران هستند روشن . شد که معنادار ترین متغیر در ۳۰ تا از گزینشی ترین دانشگاهها ۱۱رث و میراث است (این که عضوی از خانواده، پیش از این، در دانشگاه حضور داشته است یا نه ُ، پدر - مادران ثروتمندی که در هزینههای عمرانی دانشگاه کمک می کنندنیز احتمال پذیرش را بالاتر می برند. این بدین معنا نیست که دانشگاهها ر می کرد. توجهی به عملکرد آموزشی دانش آموزان در فر آیند پذیرش نشان نمی دهند. بلکه بدین معناست که ر قتار بر ترانگارانه (ترجیحی)ای در پذیرشها وجود دارد که مهارتهای آموزشی را در اولویت پایین تری

مے نشاند . فسانه ۸: حقوق امتیازی آموزگار، عملکرد

دانش آموز رابهبودمى بخشد همه این استدلال، این است که حقوق امتیازی (مترجم: merit pay یا پرداخت حقوق براساس امتیاُز یعنـــٰی ایْن که به آموز ُگار بر بنیـــاد آمتیازهایی که می گیرد و به دســت می آورد-از آن میان ســطح مرههای دانش آموزان-حقوق بدهیم. به این شیوه حقوق، حقوق عملکردی هم می گویند.) شیوه خوبی است برای افزایش عملکرد آموز گار، چراکه آموز گارباید بر پایه عملکرد دانش آموزان ارزشیابی شود. پاداش و تنبیه مدرسه هابه ازای عملکرددانش آموزان نیز وضع آموزشی مُدرسههای کشــور را بهتر خواهد ساخت. اما شواهد نشان می دهند که رقابت میان آموز گاران، خلافزا (مترجــم: counterproductive یعنی نتیجه کار برخلاف مطلوبشدن) است و در برابر همکاری میان آمسوز گاران قرار می گیرد. اندازه گیری کارآیی آموزگار، بسیار دشوار است و هیچ پیمانه سادهای، کارآمدانه، نمی تواند این اندازه گیری را انجام دهد. هیچ گواهی در دست نیست که حقوق امتیازی، باعملکرد بهُبود یافته دانش آموز، در پیوند باشد اما شواهد نیرومندی وجود دارد که پایه گذاری دستمزد أمور گاران بر بنياد عملكرد دانش آموزان خلافزا و أز نظر اخلاقي نادرست است. حقوق امتيازي، اغلب، آموز گاران و مدر سه هار ایر بنیاد عامل های اجتماعی -اقتصادي مجازات مي كُند كه آنان بر كنترل شان هيچ قشىندارند.

هر آموزُ شـگری، بهویژه مدیران و سیاست گذاران، باید کتاب «پنجاه افسـانه و دروغ» را بخواند بر بنیاد بیع عمب بیجه است و کاروی (را بخونفه بر بیعا شواهد پژوهشی نیرومند، این کتاب به روشنی نشان می دهد که ما هنگام تصمیمسازی های آموزشی مان نیاز داریم تا روی جداســـازی افسانه هااز واقعیت، کار

زندكي هدفمندداشته باشيم

فرزانه رسانه کارشناس ارشد روانشناسی

متاسفانه اکثر ما برای زندگی خود هدف و سنست بره برای رود ای حود مدود برنامه مشخصی نداریم و به قول معروف، زندگی رابا پیروی از ضربالمثل «هرچه پیش آید خوش آید، سپری می کنیم. که تا به حال به این موضوع فکر نکردهایم که باید برای رسیدن به خواستههایمان برنامهریزی یا همان هدفگذاری انجام دهیم. یا این که یا همسان مقلود از دادگی هدفمند چیست: نمی دانیم منظور از زندگی هدفمند چیست: و بهطور کلی برای داشتن یک زندگی هدفمند که در آن دستاوردهایی موجود باشد، باید چه کار یا کارهایی انجام دهیم؟ چگونه می توانیم از پی هدفی و زندگی علی السویه داشتن خلاص سی در کر شویم؟ ساده است. برای داشتن یک زندگی هدفمند و دارای انگیزه باید هدفگذاری کنیم. یعنی بایــُد اهدافــی را برای دورهای مُشــخص براساس تواناییها و امکاناتمان مشخص سازیم. برساس و دیها همان طور که برای تیراندازی به سسمت سسیبل هدف باید میزان فاصله، کشت کمان، جهت و سسایر تنظیمات را برای به هدف زدن بسنجیم، در مهارت هدف گذاری که یکسی از مهارتهای زندگی است نیز باید اهداف را براساس اولویتها وزمان به اهداف بلندمدت و کوتاممدت تقس

سیم اماداشــتن هدف یا همــان هدفگذاری اصلا چـه فایدهای دارد؟ پاسـخ این اسـت کـه ما با داشتن برنامه مشـخص و از پیش تعیینشده، مى توانيم امكانات و محدوديت هايمان را بهتر ارزیابی کنیم و موانع احتمالی را برای رسیدن به مقصود بهتر پیشبینی کرده و از سر راه برداریم. به کمک هدف گذاری می توانیم جهت رسیدن به خواستههایمان از زمان به نحو مطلوبی استفاده کنیم. با اولویتبندی کردن کارها و تخصیص ۔۔۔۔ ر ر ر ۔۔۔ زمان مناسب بہ ہر ہدف، دســتیابی بہ آنها را برای خود امکان پذیر و ســهلالوصول می *کن*یم. ر کر کر کر کراند با این حال با وجود همه فوایدی که هدف گذاری در زندگی ما دارد، متاسفانه در صد کمی از افراد با این مهارت آشنایی دارندواز آن استفاده می کنند. همان طور که یک مکانیک بسرای کار خود به ابزارهایی نیاز دارد تا در مواقع لزوم از آنها استفاده کند، هر فردی نیز بـرای راحت زندگی کردن به مهارتهای زندگــی و اســتفاده کردن از آنها در موقعیتهای مشخص نیازمند است که برای رسیدن به اهداف موردنظر نیز آشنایی با مهارت

هدف گذاری لازماست. رت ۱٫۰۰۰ حال بیاییم بررسی کنیم که موانع موجودبر سر راه هدفگذاری برای آنهایی که خواستار این امر هستند، چیست؟ یکی از مراجعان می گفت که بسیاراحساس افسردگیمی کنمچون اخیرابرای شروع هر کاری بسیار بی انگیزه شده ام. هر وقت میخواهم کاری را شروع کنم، وقتی به سختی

کار و انجامدادن آن فکر می کنیم، نمی توانم آن را شروع کنم. درواقع اصلا نمی دانم از کجا باید ر موع کنم و چطور کارها را پیش ببرم، به همین دلیل سعی می کنم اصلا کاری را شروع نکنم. من خواستههای زیادی دارم که دوست دارم به همه آنها برسم امادیگر ناامید شده ام..این فرد به دلیل عدم آگاهی از مهارت هدف گذاری فکر می کرد رسیدن به خُواسته هَا در زندگی تأبع شانس است و تقدیر او این گونه است که او هیچ شانسی برای یدن به خواســتههایش نخواهد داشت. اما رستین به خونست. حقیقت چیز دیگری بود واین که این فرد به علت آشنا نبودن با مهارت هدف گذاری این باور غلط را در خود پـرورش داده بود. در این موردمی توان گفت یکی از موانع موجود برای دستیابی به اهداف وقدم گذاشتن در مسیر هدف گذاری، آشنانبودن بااین مهارت است. ین مهرت..... از موانع دیگر که در علم روانشناسی اجتماعی

«خَوْشُ بِينَــَى بُرِنامهُ رِيــزَىُّ ناميده مىشــود، همانطور كه از نامش پيداســت عبارت اســت از خوش بُینی زیاد در زمانبندی برای رسیدن به اهداف در این مــورد فرد، زمانــی را که برای ِســيدن به هر هدف در نظر می گیــرد، کوتاهتر رسیبان به هر هداف در نظر می تیبرد، نوبادار از زمان لازم واقعی برای رسیبدن بسه آن هدف خاص است. یکسی دیگر از موانسی، باورهای منفی غلطی است که در افراد وجود دارد که باعث کاهیش اعتمادیهنفسس و در نتیجه مانع , ر ریری را برای موانع را به حداقل ممکن ^{*} داده و در شــ ایط مطلوب به کلی حذف کنیم به کمک هُدفگذاری دقیق و مناسب و به دنبال آن تلاش بی وقف می توانیم آرامیش و تحقق أرزوهايمان را تجربه كنيم. همين طور مي توانيم نظاره گرپیشرفت در کارهایمان باشیم البته باید متذکر شویم که هیچ کاری بیدردسر و سختی مددر سویم نه هیچ داری پی دردسرو سختی انجام نخواهد شد. حتی با انجام هدف گذاری و برنامهریزی دقیق و زمانبندی مناسب بی شک مشکلاتی نیز در طبی مسیر خواهیم داشت که با شکیبایی و مقاومت در حل کردن آنها می توانیم دوباره به سسمت اهدافمان روانه شدویم، نکته دوباره به سسمت اهدافمان روانه شدویم، نکته مهم در مهارت هدف گذاری این است که باید همیشه اهدافی را که برمی گزینیم هدفهایی معقول و منطقی و رسیدن به آنها در محدوده توانایی های ما باشد در نظر داشتن اهداف خیالـــی و دور از ذهن تنها باعث ســـر خوردگی و - سیسی و مور بر محن بنیه پنجت سر حورد گی و نامیدی بیشتر می شود و فر در امستعدافسر گی می سسازد، بنابر ایس با بلب بـ بـ رای هدف گذاری صحیح شـ را بط امکانـــات و توانایی هایمان را بر رسسی کرده و با توجه به آنها اقدامــات لازم را براُی یک برنامه ریزی خــوب و معطوف به هدف

جهاندوم

نسل درحال انقراض

دختر و پسر جوان سر صبح، دم ورودی شرکت بساط پهن کرده بودند. فکر کردم اشتباه آمدهام. بعد معلوم شد که از این آن. جی اوهایی هستند که از گونههای گوشتخوار در حال انقراض حمایت می کنند، مطمئن بودم که باید چتر حمایتشان می تسند مقتفیان پوونم به پاید چر حمیرسد راروی ســر من هم پهن کنند گرچه به ضرورت عقباقتادن عیدی و حقوق، گوشتخواری را فعلا گذاشـــتمام کنار امامطمئنم که در حال انقراضی، یعنی میشد که یک تی شــرت هم چاپ کنند باعکس مے واز همکاران محترم بخواهنداز این زنی که خیال ُمیبافــدو هنوز به رویا و آینده و مزخرفاتی از این دست باور دارد با خریدنش کمک کنند. تی شرت سفیدی که رویش عکس یوزپلنگ ایرانی چسبانده بودند ۷۰هزار تومن بودوسر آخر بیشتر همکاران تشخیص دادند که بهجايسش زلمزيمبوهاي ارزانقيمست خريدند

می کردند. یک ماگ برداشتم که رویسش تصویر پنجه یات در حال انقراض را زده بودند و فکر کردم گونههای در حال انقراض را زده بودند و فکر کردم سینا خوشش می آید. سینا خوشت ش آمد. دادم ب روی لیوان را خواند که آفرین بر شما كه باخريدن اين محصول از حيات وحش ايران حمایت کردهاید. من فکر نمی کردم که توانسته باشم از چیزی حمایت کنم صبح فردا به جای دو نفر فقط یکخفر پشت میز بود و به جای دو تا میز فقط یکمیز داشت. سری تکان دادم و فکر کردم یوزپلنگهامنقرض میشوند چون فقط ۷۰ تااز هنوز به عشق اُعتقاد داریم و گل ارغوانی می خریم و وبلاگ می نویسیم. حتی نمی شد از ما حمایت

تمام راهروها أدمها با پیکسلهای پلنگی تردد

. از صفحه گوگل پلاسSheydaE

